

گام بزرگی برای تجارتی عادلانه در جهان



روز یکشنبه ۲۵ آبان (۱۵ نوامبر) امسال، چهارمین نشست رهبران ۱۵ کشور شرق آسیا و اقیانوسیه، به صورت مجازی و با میزبانی هانوی برگزار شد. پیش از این، ۲۷ جلسه رسمی دیگر نیز بین مسؤلان اقتصادی این کشورها برگزار شده بود. بالاخره پس از ۸ سال گفتگو، در این جلسه، توافق نامه‌ای به امضا رسید که بزرگ‌ترین قرارداد تجاری جهان خوانده می‌شود. پنج کشور چین، ژاپن، استرالیا، نیوزلند و کره جنوبی، به علاوه ۱۰ کشور عضو اتحادیه ملل آسیای جنوب شرقی (آسه‌آن)، امضاکنندگان این قرارداد موسوم به «مشارکت اقتصادی جامع منطقه‌ای» (RCEP) هستند.

آسه‌آن، اتحادیه‌ای است که در اوت ۱۹۶۷ تشکیل شد. اهداف اولیه این اتحادیه، ایجاد بلوکی برای مقابله مشترک با جنبش‌های ضد سرمایه‌داری در منطقه بود. به خاطر داریم که در آن سال، هنوز خون ۳ میلیون اندونزیایی که پس از کودتای ژنرال سوهارتو علیه دولت ملی دکتر سوکارنو بر زمین ریخته شد، هنوز خشک نشده بود. این اتحادیه، تحت فشار، تحکم و هدایت آمریکا، در شرایط اوج‌گیری جنگ ویتنام شکل گرفت. مرکزیت این اتحادیه با اندونزی بود که چهار کشور دیگر فیلیپین، تایلند، سنگاپور و مالزی را به یکدیگر

می‌پیوست.

بعدها، پس از فروپاشی اردوگاه سوسیالیسم و رفع «خطر کمونیسم»، کشورهای ویتنام، لائوس، کامبوج، برمه (میانمار) و برونئی (بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۹۸) به آن ملحق شدند. این‌گونه، سمت‌گیری اصلی اتحادیه، به سوی ایجاد بلوک اقتصادی متوجه شد. اما این بلوک، از همان آغاز، ضربات سختی از «نظم نوین بین‌المللی» (دکترین بوش پدر) دریافت کرد. می‌دانیم که پس از جنگ جهانی دوم، «توافق‌نامه عمومی تعرفه و تجارت» (GATT) و خلف آن «سازمان تجارت جهانی» (WTO از سال ۱۹۹۵) به منظور سامان‌دهی تجارت جهانی تأسیس شده بودند. اما مضمون فعالیت‌های این سازمان، انسداد مسیر توسعه کشورهای پیرامونی از طریق بازکردن دروازه‌های آنان به روی کالاها و خدمات تولیدی کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری با ابزار حذف تعرفه‌ها، و استحکام انقیاد اقتصادی کشورهای موسوم به «جهان سوم» است. با تسلط کامل سرمایه‌مالی در اقتصاد سرمایه‌داری، کشورهای عضو اتحادیه نیز به سختی‌هایی دچار شدند. با سقوط بازار مالی آسیای جنوب شرقی و اقتصادهای «نوظهور» موسوم به «ببرهای آسیا» در سال ۱۹۹۷، بخش بزرگی از سهام شرکت‌ها به تملک امپریالیست‌ها درآمد. بدین ترتیب، راه‌های برون‌رفت از بحران، یکی بعد از دیگری برای آنان مسدود شد.

حال، این توافق‌نامه، مدل دیگری از تجارت جهانی را عرضه می‌کند که بر پایهٔ تحکم «ابرقدرت‌ها» نیست. درست است که چین، به واقع با در اختیار داشتن سهم بسیار بزرگ‌تری از اقتصاد در مشارکت یاد شده، «ابرقدرت» محسوب می‌شود؛ اما با توجه به مفاد پیمان که زنجیرهٔ تأمین و توزیع کالا را بین کشورهای عضو محکم می‌کند، نیاز به کاربرد قدرت نظامی برای حفظ برتری و رهبری جهان - آن‌گونه که آمریکا در ۷۰ سال گذشته عمل کرده است - را منتفی می‌سازد.

مجموع تولید ناخالص داخلی کشورهای عضو اتحادیه، حدود ۹/۳ تریلیون دلار در سال ۲۰۱۹ برآورد شد. با احتساب تولید ناخالص داخلی ۵ کشور دیگر، حجم کل GDP اینان، به ۳۲ تریلیون دلار بالغ می‌شود که برابر است با ۳۶ درصد تولید ناخالص جهان در سال ۲۰۱۹. البته منابع رسانه‌ای امپریالیسم، برای کم‌اهمیت نشان دادن این پیمان، رقم ۳۰ درصد را عنوان می‌کنند که حقیقت ندارد.

شکی نیست که موفقیت چشمگیر چین در احیای سریع اقتصاد پس از بحران کرونا، و

خروج آمریکا از پیمان TPP (پیمان مشارکت دو سوی اقیانوس آرام) به قصد «بازگرداندن عظمت آمریکا»، در تحریک دیگر اعضا برای امضای این پیمان پس از ۸ سال مذاکره، بسیار مؤثر بوده است. چین، تنها کشور در بین این ۱۵ عضو است که شاهد رشد اقتصادی در طول یک سال گذشته بوده است. در حالی که دیگر اعضا-به ویژه قدرت های ژاپن، استرالیا و کره جنوبی- ۶ درصد افت تولید ناخالص داخلی داشتند.

روابط تجاری چین با آسه آن در طول سه ماهه اول سال جاری میلادی، به رقمی معادل ۴۸۱/۸ میلیارد دلار رسیده و همزمان، آسه آن با ارتقاء پروتکل های مربوط به منطقه تجارت آزاد و همکاری در زنجیره تأمین، به بزرگ ترین شریک تجاری چین تبدیل شده است. در همین حال اعلام شد که چین، جای آمریکا را به عنوان بزرگ ترین شریک تجاری اروپا گرفته است.

یکپارچگی اقتصادی بیشتر، به سود تمام ذی نفعان است و قوت قلبی برای اقتصاد پزمرده جهان محسوب می شود. تمامی این اقدامات باعث ثبات در تولیدات و زنجیره های تأمین منطقه ای می شود و الگوهای جدید رشد و مناسبات تجاری را به وجود می آورد و بنابراین، نیروی محرکه قوی تری را به روند رشد اقتصادی منطقه و نهایتاً کل جهان تزریق خواهد کرد.

البته قابل انتظار بود که امپریالیست ها به خشم آیند. آنان امضای این توافق نامه را «کودتای اقتصادی چین» خواندند! در آینده باید انتظار هرگونه کار شکنی و خرابکاری امپریالیستی در این قرارداد را داشت. از هم اکنون، شکاف حتی در داخل هیئت حاکمه کشورهای وابسته را مشاهده می کنیم. فردای امضای قرارداد، وزیر اقتصاد استرالیا علیه آن موضع گرفت. در رسانه های داخلی ایران نیز اصطلاحاتی چون «گسترش نفوذ چین»، «گسترش جاه طلبی های ژئوپلیتیک چین» و موارد مشابه را از زبان بلندگوهای نتولیرال می شنویم.

اَبَر پروژه های «یک جاده، یک کمربند»، «بانک توسعه زیرساخت های آسیایی» (برای مطالعه بیشتر در این مورد، ر.ک. مجله دانش و مردم، شماره ۱۵، بهار ۹۷) و توسعه روابط نه فقط اقتصادی، بلکه اجتماعی چین با همه کشورهای که در جستجوی رشد و توسعه درونزا هستند، خشم امپریالیسم را برمی انگیزد.

عظیم‌ترین اعتصاب کارگران، کشاورزان و دیگر زحمتکشان هند در تاریخ جهان



انبوهی از کشاورزان و کارگران روستایی از شمال هندوستان برای رساندن صدای اعتراض خود به دولت، با هر وسیله ممکن خود را به دهلی نو، پایتخت این کشور رساندند. آنها پلاکاردهایی را حمل می‌کردند که بر روی آنها شعارهایی علیه تصویب قوانین بر ضد کشاورزان توسط دولت نوشته شده بود. کارگران کشاورزی پرچم‌هایی را با خود حمل می‌کردند که نشانه تعلق آنها به سازمان‌های مختلف از «شورای متحده اتحادیه‌های کارگران کشاورزی» گرفته تا احزاب کمونیست و سوسیالیست بود.

به طور هم زمان کارگران مناطق صنعتی به همراه کارگران بنادر از بندر جواهر لعل نهرو (بزرگ‌ترین بندر کشور واقع در شرق) گرفته تا بندر پارادایپ (در غرب) دست از کار کشیدند. کارگران معادن زغال سنگ، سنگ آهن و کارخانه‌های ذوب آهن، ابزارهای خود را بر زمین نهاده، و قطارها و اتوبوس‌ها متوقف شدند. کارگران بخش غیررسمی اقتصاد، کارگران بخش‌های بهداشتی و کارمندان بانک نیز به اعتصاب پیوستند. اعتصاب کارگران در اعتراض به افزایش ساعت کار روزانه به ۱۲ ساعت و لغو پوشش‌های قانونی در حمایت از ۷۰ درصد نیروی کار بود.

حدود ۲۵۰ میلیون نفر در روز ۲۶ نوامبر در اعتصاب عمومی شرکت کردند. بزرگ‌ترین اعتصاب عمومی در تاریخ جهان. اگر این اعتصاب‌کنندگان کشوری را تشکیل می‌دادند، این کشور از لحاظ تعداد جمعیت در دنیا بعد از چین، هند، آمریکا و اندونزی، در مقام پنجم قرار می‌گرفت.

«تاپان سن»، دبیر کل اتحادیه‌های کارگری هندوستان گفت: «اعتصاب امروز تنها پیش‌درآمدی است بر مبارزه‌ای همه‌گیر که در پی خواهد بود».

شیوع پاندمی، بحران دامن‌گیر طبقه کارگر، دهقانان و همچنین کشاورزان خرده‌پا را شدت بخشیده است. استیصال عمیق از موقعیت کار و زندگی زحمتکشان را وادار نموده که علی‌رغم خطرات شیوع بیماری، در اعتراض به دولت در اماکن عمومی گرد آیند. زندگی دوسوم نیروی کارگر در هندوستان از طریق کار در بخش کشاورزی تأمین می‌شود. بخش کشاورزی تقریباً ۱۸ درصد تولید ناخالص ملی کشور را تشکیل می‌دهد.

بعد از استقلال هندوستان از استعمار انگلستان، حزب کنگره (با رهبری جواهر لعل نهرو و ایندیرا گاندی و...) برای مدتی طولانی بر کشور حاکم شد. این حزب با تمایلات سوسیال دموکرات، در صحنه جهانی بر مبنای سیاست عدم تعهد، و روابط حسنه با بلوک شرق، سیاستی مسالمت‌آمیز را با غرب تعقیب می‌کرد. در سیاست داخلی نیز در ائتلافی با احزاب چپ، جبهه متحد ملی را به وجود آورده و خط‌مشی‌های کینزی در اقتصاد را سرمشق خود قرار داده بود. از جمله این سیاست‌ها تأسیس مراکز دولتی خرید محصولات از کشاورزان در شعاع سه کیلومتری هر روستا بود. با این سیاست، دولت با تضمین خرید محصولات کشاورزی، یارانه‌ای را به کشاورزان می‌پرداخت و با کوتاه کردن دست شرکت‌های بزرگ کشاورزی در تسلط بر بازار محصولات کشاورزی، امنیت غذایی جمعیت عظیم کشور را تضمین می‌نمود.

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و بلوک شرق، سیاست‌های حزب کنگره نیز به تدریج به سوی سیاست‌های نئولیبرالی گرایش پیدا کرد. این گرایش در دو دهه گذشته منجر به از دست رفتن محبوبیت حزب در میان عامه مردم شد، تا جایی که حزب بی‌جی‌پی به رهبری نارندرا مودی توانست با تمایلات نئوفاشیستی و هندوگرایی افراطی از سال ۲۰۱۴، رهبری کشور را به دست گیرد. سیاست مودی در خارج، هم‌داستانی با غرب در دشمنی با جمهوری خلق چین، روسیه و ایران... و در عرصه داخلی نیز اجرای موبه موی سیاست‌های

نئولیبرالیستی است. از نمونه‌های این سیاست‌های نئولیبرالیستی کوشش در تصویب قانونی برای از میان برداشتن تعیین حداقل قیمت خرید محصولات کشاورزی توسط دولت است. دولت مودی در صدد است که این قانون را با استدلال مسخره «رها سازی کشاورزان از اجبار در فروش محصول‌شان به دولت» به کشاورزان تحمیل نماید. هدف این قانون حذف خرید دولتی محصولات کشاورزی و به اصطلاح آزاد سازی معاملات محصولات کشاورزی است. با تصویب این قانون، درآمد ۸۵ درصد کشاورزانی که صاحب کمتر از دو هکتار زمین هستند را منوط به چانه‌زنی با انحصارات عمده فروش محصولات کشاورزی می‌نماید.

با آنکه قانون اساسی کشور حق «آزادی بیان» و شرکت در «تجمعات صلح‌آمیز بدون سلاح» را به رسمیت شناخته است، پلیس دهلی نو (که بدنه آن را همان کشاورزانی تشکیل می‌دهند که حالا یونیفورم پلیس به تن کرده‌اند)، به دستور مافوق‌هایشان، با گاز اشک‌آور و پرتاب آب محلول خمیر مایع و جوش شیرین (با الهام از اختراع بشردوستانه اسرائیلی‌ها، که اثر خفگی پاشیدن آب روی تظاهرکنندگان را چند برابر می‌کند) در سرمای شمال هندوستان، به استقبال مادران، پدران، خواهران و برادران کشاورز خود رفتند.

اما همه این اقدامات نتوانست تظاهرکنندگان را متوقف نماید. جوانان بی‌باک بر روی کامیون‌های آب‌پاش پریده و شیرهای آب را بستند، کشاورزان با تراکتورهای خود راه‌بندان‌ها را منهدم کردند، و طبقه کارگر و دهقانان در جنگ طبقاتی که دولت به آنها تحمیل کرده به مقابله برخاستند.

اعلامیه دوازده ماده‌ای اعتصابیون، شامل خواست‌های قلبی آحاد مردم زحمتکش است. این خواست‌ها عبارتند از الغای قوانین ضد کارگری و ضد کشاورزان، توقف خصوصی سازی مؤسسات بزرگ دولتی و کمک بی‌درنگ به مردم زحمتکش، در جواب به بحران ناشی از ادامه سیاست‌های نئولیبرال که شیوع بیماری آن را به مراتب وخیم‌تر کرده است. این‌ها همگی خواسته‌هایی مشروع ساده و انسانی هستند که تنها نظامی سنگدل می‌تواند از قبول آنها امتناع ورزیده و جواب آنها را با گاز اشک‌آور و ماشین‌های آب‌پاش بدهد.

برگرفته از وب‌گاه سه قاره (Tricontinental)

خواست‌های اعتصابیون: الغای قوانین ضد کارگری و ضد کشاورزان،
توقف خصوصی سازی مؤسسات بزرگ دولتی و کمک بی‌درنگ به مردم زحمتکش